

میراث‌شناسی

شماره ۴۴ پاییز ۹۵

No.44 Autumn 2016

۱۵۵-۱۷۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۱۱

تدوین اصول رویکرد درون‌زا در آموزش معماری

سیده روناک حسینی* - دانشجوی دوره دکترای تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سید غلامرضا اسلامی - استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حمید مجیدی - دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Principles of endogenous approach in architecture education

Abstract

Nowadays, the physical impact of the environment on human behavioral pattern has been the main issue. Given that one of the most influential factors in the quality of the physical environment, architecture, the importance of tutorial system architecture, defined as a system for raising the architects, will be determined. Overcoming the problems of the current system of architectural education in Iran has always been a concern of researchers and scholars. So far different strategies and educational approaches to solve problems of the educational system or parts of it have been proposed. In many cases these strategies defines in the translation of educational approaches abroad. That it does not comply with existing structures architectural education or in which part of the issues have been considered. In order to resolve the problemss raised and given the multifaceted nature of endogenous development approach; In this paper the possibility of taking advantage of the potential of this development model, to promote and to address issues and problems fac- ing the educational system have been investigated by using simulation and logical argument methods defines conceptual models of the topics discussed and Finally, principles and components of this architectural education approach has been adopted in this paper.

Keywords: Architecture Education, Academic educational system, Architectural education system. Endogenous n approaches, Principles

چکیده

امروزه تأثیرات محیط های کالبدی بر الگوی رفتاری انسان امری شناخته شده و مسلم می باشد. از آن جا که معماران به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل در کیفیت محیط های کالبدی انسان ساخت شناخته می شوند، اهمیت نقش نظام آموزش معماری، به مثابه نظامی برای رشد و پرورش معماران محرز می گردد. غلبه بر مسائل موجود در نظام فعلی آموزش معماری در ایران همواره از دغدغه های محققان و اندیشمندان بوده است و تاکنون راهکارها و رویکردهای آموزشی متفاوتی برای رفع مسائل نظام آموزشی یا اجزائی از آن مطرح گردیده است؛ در بسیاری از موارد این راهکارها ترجمان رویکردهای آموزشی تعریف شده در خارج از کشور بوده که انطباق زیادی با ساختارهای موجود آموزش معماری نداشته یا به صورت بخشی به موضوعات و مسائل نگریسته است. لذا در جهت رفع موضوعات مطرح شده و نظر به ماهیت چند وجهی رویکرد توسعه درون‌زا و تأکید این رویکرد به توسعه در چهارچوب ساختار ها و پتانسیل های موجود، در مقاله حاضر به بررسی امکان بهره گیری از پتانسیل های این الگوی توسعه در جهت اعتلا و رفع مسائل و مشکلات موجود نظام آموزشی پرداخته شده و با بهره گیری از روش های تحقیق مشابه سازی و استدلال منطقی به تعریف مدلهای مفهومی از موضوعات مورد بحث و نهایتاً تدوین اصول و مؤلفه های این رویکرد آموزشی در آموزش معماری پرداخته شد.

واژگان کلیدی: آموزش معماری، نظام آموزش عالی، نظام آموزش معماری، آموزش با رویکرد درون‌زا.

مقدمة

های ساختارهای درون زا، به معرفی مدل ساختاری نظام آموزش عالی و راهکارهای رفع مشکلات در اجزائی از سیستم آموزش معماری پرداخت که در شرایط موجود می‌توان با اتخاذ سیاست‌هایی به رشد و تغییر در آن امیدوار بود. از مجموع راهکارهای ارائه شده برای حل مشکلات سیستم و مبانی این رویکرد، تلاش می‌گردد تا به تعریف اصول آموزش معماري با رویکرد درون‌زا نائل آیین.

سوالات، فرضیه و مدل مفهومی تحقیق
تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سوالات ذیل
می باشد:

- ۱- آیا می‌توان الگویی برای ساماندهی وضعیت ساختار آموزش معماری در ایران پیشنهاد داد؟
 - ۲- در صورت وجود چنین الگویی، اصول و مبانی کلی تعریف کننده آن کدامند؟

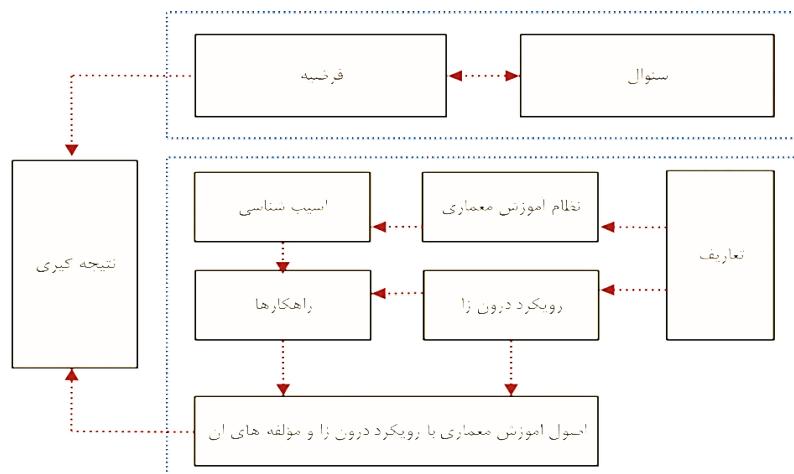
فرضیه این تحقیق برای پاسخگویی به سئوالات این است که با بهره گیری از مبانی و ظرفیت های ساختارهای درون زا ز جمله تأکید بر برخاستن از شرایط موجود؛ توجه به پس خوراند سامانه ها؛ تمرکز بر الگوی توسعه افقی به جای توسعه عمودی؛ می توان به ارائه راهکارهایی در جهت ساماندهی نظام آموزش معماری پرداخت. از مجموع راهکارهای ارائه شده برای حل مسائل سیستم و مبانی این رویکرد، تلاش می گردد تا به تعریف اصول آموزش معماری

در دنیای در حال توسعه و تحول امروز، نهادهای آموزش عالی، به متابه مراکز تولید، انتقال و کاربردی نمودن علوم و تحقق آن تحت مبانی ایدئولوژیک و ارزشی و در بسترها فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی همواره مورد توجه بوده‌اند. «سامانه آموزش معماری» نیز، به عنوان زیرمجموعه نظام آموزش عالی و به لحاظ نقشی که در تجسس کالبدی و معنایی محیط‌های انسان ساخت دارد، از رسالت مشابهی برخوردار می‌باشد. بر این اساس به منظور افزایش کارایی و بازده ساختارهای کنونی آموزش معماری در ایران و هدایت آن‌ها به سمت الگوهای مطلوب، نیازمند برنامه‌ریزی و اتخاذ راهکارهای عملیاتی و منطبق با شرایط موجود می‌باشیم. در این راستا، شناسایی اجزاء و مدل ارتباطی آنها؛ بعد از تنویر موضوع و مسائل مبتلا به هر کدام از اجزاء، به تنویر کمک خواهد نمود. از دیگر سو، از آن جا که در شرایط حاضر، توسعه درون‌زا به عنوان راهکار برون رفت از مسائل و مشکلات موجود در ایران مطرح می‌گردد؛ این مقاله بر آن است تا امکان یهود گیری از ظرفیت‌های موجود در الگوی توسعه درون‌زا در جهت رفع مشکلات موجود در ساختار فعلی آموزش معماری بررسی نماید. بر این اساس در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا ضمن تبیین و برگز

مدرسہ شری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

156



تصویر ۱. ساختار کلی تحقیق؛ مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. معرفی مؤلفه های رویکردهای یاددهی و یادگیری؛ مأخذ: مهر محمدی و شعبانی ورکی، ۱۳۷۷

رویکرد های یاددهی - یادگیری	منبع شناخت مداخل یا توالی فعالیت	نقش مدرس	نقش یادگیرنده	نقش مدرس و شاگرد	نحوه ارتباط
رفتار گرایی	تجربه حسی	مداخل یا توالی فعالیت	نقش مدرس	نقش یادگیرنده	رویکرد های یاددهی - یادگیری
شناخت گرایی	عقل	تنظیم و توزیع دانش و کنترل یادگیری	دریافت کننده مهارت ها و اطلاعات (افعالی)	دریافت کننده مهارت ها و اطلاعات (افعالی)	دو جانبه
انسان گرایی	شهود شخصی	کاوشنگری	ایجاد فضایی تسهیل کننده	ایجاد فضایی تسهیل کننده	دو جانبه
ساخت گرایی	معرفت ساختنی نه قابل کشف	مواجهه با سؤال و برهم خوردن تعادل شناختی	تسهیل کننده و واسطه بین برنامه درسی و شاگرد	محوری (فعال) محوری (فعال) محوری (فعال)	مشارکتی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۵۷

می کند، لذا معرفی سوابق رویکردهای آموزشی، مبانی و ویژگی های آن ها امری ضروری می نماید. سابقه تحقیقات روان شناسی درباره تدریس و یادگیری حدوده به صد سال پیش بر می گردد. با وجود این باید خاطر نشان نمود که پرسش های مهم مربوط به فرآیند یاددهی - یادگیری را روانشناسان جدید کشف نکرده اند، بلکه این پرسش ها در تمام قرون مورد توجه عمیق فلاسفه بوده است (مهر محمدی و شعبانی ورکی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳). از مهم ترین رویکردهای یاددهی - یادگیری می توان به رویکردهای رفتار گرایی، شناخت گرایی، انسان گرایی و ساخت گرایی اشاره نمود که خلاصه برخی از مهم ترین ویژگی های آن ها در قالب جدول شماره ۱ معرفی می شوند.

رویکرد نظری

در فرآیند بحث و بررسی در مورد «آموزش معماری»، صرف نظر از گستردگی موضوعات مرتبط با مفهوم «معماری»، نیازمند بررسی تعاریف ارائه شده برای «آموزش» و اهداف معرفی شده برای آن هستیم.

با رویکرد درون زا نائل آییم. ساختار کلی این مقاله در قالب نمودار ذیل معرفی می شود.

مواد و روش ها

پژوهش حاضر از نوع «کیفی» بوده و از طریق «روش پژوهش مشابه سازی» به ترسیم مدلی برای ساختار فعلی آموزشی معماری در ایران پرداخته و از میان روش های تحقیق معرفی شده از سوی دیوید وانگ و لیندا گروت؛ با بهره گیری از «روش استدلال منطقی» به بررسی مسائل موجود در ساختار جاری آموزش معماری؛ پیشنهاد راهکار برای حل آن مسائل و در نهایت معرفی «اصول آموزش معماری با رویکرد درون زا» پرداخته شود. ابزارهای پژوهش حاضر از نوع بررسی مدارک و اسناد، مصاحبه با افراد و متخصصان دارای دیدگاه های متفاوت، فیش برداری از منابع و استخراج مطالب لازم، ارائه جداول و مدل های مرتبط می باشد.

مرواری بر پیشینه مبانی نظری موضوع

از آن جا که این تحقیق پیرامون تعریف رویکرد درون زا در آموزش معماری و معرفی اصول آن سیر

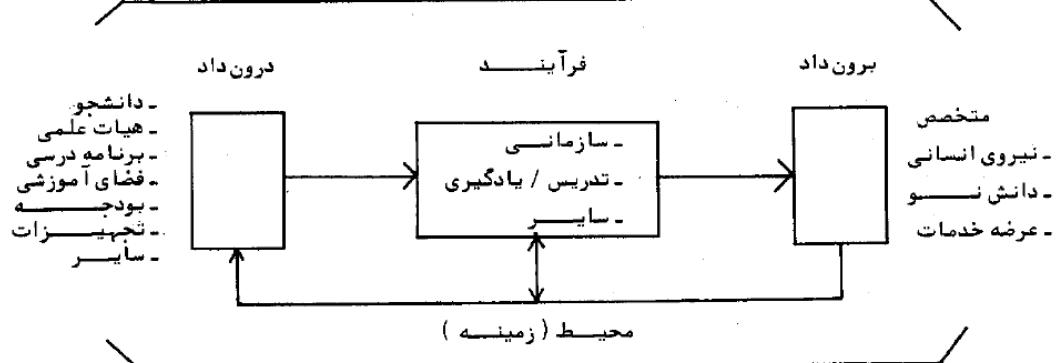
مفهوم آموزش و مراحل آن

«آموزش» در لغت نامه دهخدا عبارتست از عمل آموختن و تعلیم دادن. «یونسکو»، هدف آموزش را توسعه مهارت‌ها، توانایی‌های انجام کار، درک دانش و اطلاعات مورد نیاز به وسیله نیروی انسانی به منظور ایجاد پیشرفت در تولید می‌داند. در فرهنگ حییم مقابل کلمه «instruct» معانی دستور دادن و تعلیم دادن چیز یاد دادن، آگاه کردن دیده می‌شود و نیز در مقابل کلمه «instruction» که در فارسی غالباً معادل کلمه آموزش در نظر گرفته می‌شود، معانی تعلیم، آموزش و دستور آورده شد است. به طور خلاصه می‌توان آموزش را فرایند انتقال معلومات، نگرش‌ها و مهارت‌ها از فرد یا گروهی به فرد یا گروه دیگر برای ایجاد تغییرات در ساختارهای شناختی، نگرشی و مهارتی دانست (دهخدا، ۱۳۴۷؛ صدری، ۱۳۸۳، ص ۱۴). سیف آموزش را هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی‌شده‌ای تعریف می‌کند که هدف آن آسان کردن یادگیری در یادگیرنده‌گان است (سیف، ۱۳۸۶، ص ۳۴). سعیدی زرقندي آموزش را از دیدگاه جامعه شناسی، روش انتقال علم و انطباق آن در شرایط ویژه اجتماعی با نیازهای جامعه معرفی می‌کند. «هنری پیرن» اظهار می‌دارد: «آموزش عبارت است از تغییراتی که به منظور سازگار شدن با محیط و بر اثر تکرار در رفتار موجود زنده پدید می‌آید.»

آنچه آموزش نوین را از تعلیم و تربیت سنتی مشخص و متمایز می‌کند، تغییر فکر تربیت آغازی به آموزش مدام و طول زندگی است (سعیدی زرقندي، ۱۳۹۰، ص ۳۱): به زعم فتحی و اجاره گاه (۱۳۷۶) آموزش عبارت است از انتقال دانستنی‌ها، اطلاعات و مهارت‌ها به فرد به شرطی که در او ایجاد تغییر کند (سعیدی زرقندي، ۱۳۹۰، ص ۳۱). آن گاییه آموزش را روند حل مسئله می‌داند که هدف از آن تسهیل یادگیری فراگیرنده است. وی مدرس را مسئول آموزش می‌داند که با اتخاذ تدبیر آموزشی و مدیریتی نقش خود را ایفا می‌کند. تدبیر آموزشی تصمیمات و اعمالی که مدرس به منظور تسهیل یادگیری شاگرد از مواد آموزش اتخاذ کند یا انجام می‌دهد.

مفهوم درون زایی و ویژگی‌های ساختارهای درون زا

لغت «درون زا» ریشه در علم گیاه‌شناسی دارد. درون زا (اندوژن) گیاهی است که با رشد بافت آوندی و سلولی در میان بافت‌های موجود به گونه‌ای نامنظم نمو می‌کند (وی، ۱۹۹۴). درون زا به معنای نشأت گرفتن از ویا رُستن درون و داخل چیزی می‌باشد (اسلامی، ۱۳۹۱). اسلامی ویژگی‌های سامانه های «درون زا» را، برخاستن از شرایط موجود؛ توجه به «پس خواراند»؛ سیستم بسته معرفی می‌نماید. تحقق هدف تعیین شده، از موضوعات مورد تأکید در جریان توسعه نظام آموزشی بر مبنای رویکرد درون زا می‌باشد و برنامه ریزی دقیق در چارچوب اهداف برنامه‌های کلی تعریف شده و با توجه به بازخورد‌های اخذ شده از سامانه آموزشی به صورت مدام و پیوسته انجام شده و به روز رسانی می‌گردد. از مشخصه‌های این سامانه آموزشی بر اساس تعاریف ارائه شده، توجه به زمینه‌های احاطه کننده است در این رویکرد آموزشی، تعیین اهداف، برنامه ریزی، تعیین محتوا و سایر اقدامات می‌باشد بر مبنای مقاومت حاکم بر فضای مکانی و زمانی موجود شامل ارزش‌ها، باورها، تجربیات و منطبق با زمینه‌های اقلیمی، کالبدی، اجتماعی، تاریخی، و اقتصادی می‌باشد. لذا تمامی مؤلفه‌های مورد بحث برای هر زمینه و شرایطی به صورت منحصر به فرد و با توجه به شرایط و مقتضیات خود صورت پذیرفته و نمی‌توان دستورالعملی از پیش تعیین شده برای زیرمجموعه های نظام آموزشی، البته در چارچوب اهداف تعریف شده تعریف نمود و در یک کلام می‌توان سامانه آموزشی درون زا را سامانه‌ای تعیف نمود که برخاسته از شرایط موجود بوده و در راستای اهداف و رسالت‌های تعریف شده و با توجه به بازخوردهای دریافتی و با بهره‌گیری از



تصویر ۲. نمودار نظام آموزش عالی؛ مأخذ: بازرگان، ۱۳۷۶

آموزش عالی و تعریف مفهوم نظام بر اساس تعریف بازرگان می‌تواند مؤثر مفید واقع شود. وی با بهره‌گیری از مفهوم نظام، آموزش عالی را بر چهار جز: زمینه (محیط)، درون داد، فرایند و برون داد، تعریف نموده که زمینه آموزش عالی همان محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که نظام آموزش عالی در آن مستقر می‌باشد. بر اساس این تعریف درون داد آموزش عالی شامل کادر علمی و پشتیبانی برنامه درسی، بودجه، فضای آموزشی، تجهیزات و امکانات وغیره است که باید در داخل نظام آموزش عالی نهاده شود تا هدف‌های موردنظر

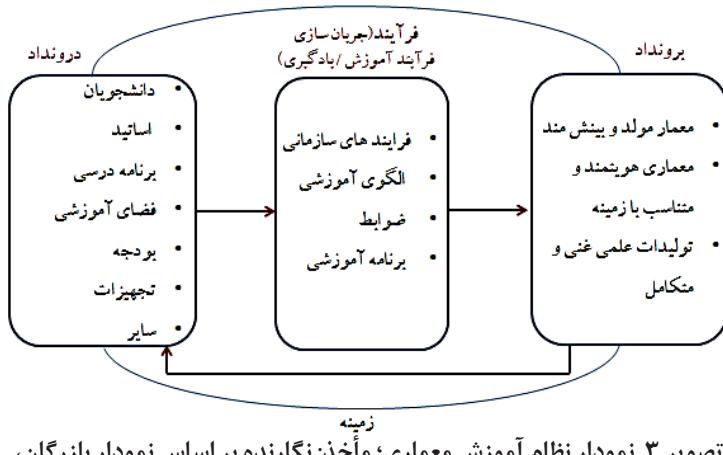
تحقیق بایند (تصویر شماره ۲). فرایند آموزش عالی با شیوه‌های سازماندهی و مدیریت منابع انسانی (شامل اعضای هیات علمی (و پشتیبانی)، روش‌های تدریس، چگونگی استفاده از منابع مالی و امکانات فیزیکی سروکار دارد. بدین ترتیب چندین فرایند درباره نظام آموزش عالی مورد نظر قرار می‌گیرد: فرایند سازمانی، فرایند-تدریس یادگیری و فرایند انجام سایر فعالیت‌ها. شناخت فرایندهای آموزش عالی به ما کمک می‌کند که برای هریک از آن‌ها مطلوبترین اقدامات را طراحی کرده و به اجرا درآوریم. برون داد آموزش عالی محصول آن است که عبارت است از تولید دانش نو، ب: تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآزموده، عرضه خدمات به جامعه. (بازرگان، ۱۳۷۶، صص ۴۴-۴۳).

از جنبه دیگری، برون داد آموزش عالی را می‌توان

تمامی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در راستای تحقق اهداف سعی در تکامل چرخه تولید (معرفت، علم و صنعت) دارد. برای تعریف دقیق تر مفهوم «درون»، در این نظام آموزشی بایستی گفت که این مفهوم مناسبت دقیق و مشخصی با آن تعاریفی که از «مرزهای داخلی»، «تولیدات داخلی» و مفاهیم مشابه نداشته و قصد این سامانه، مرزبندی در این حوزه‌ها نمی‌باشد، بلکه در این سامانه هدف رشد و توسعه کیفی و کمی شرایط و زیرمجموعه‌های موجود می‌باشد و مشخصاً می‌توان گفت که «در نظام آموزشی درون زا» قصد، درون زایی در سامانه آموزشی، زمینه‌های احاطه کننده و زیرمجموعه‌های سامانه آموزشی از جمله دانشجویان و اساتید دانشگاهی است. در ادامه بحث از اصول و چارچوب های مورد نظر برای تحقق این اهداف سخن به میان خواهد آمد. نظر به تأکید الگوی آموزشی درون زا بر توجه به ساختارها و زمینه‌های موجود، بر اساس تعریف ارائه شده از این الگو، در ادامه به ارائه یکی از تعاریف ارائه شده از نظام آموزشی و اجزاء آن که قربت زیادی با نظام آموزشی موجود دارد می‌پردازیم:

نظام آموزش عالی و اجزاء آن

ویژگی برخاستن سامانه‌های درون زا، از میان شرایط موجود ما را ملزم به شناخت ساختارهای موجود آموزشی می‌نماید. برای تنویر و آشکارسازی موضوعات مرتبط با توسعه، برنامه‌ریزی توسعه،



تصویر ۳. نمودار نظام آموزش معماری؛ مأخذ: نگارنده بر اساس نمودار بازرگان،

.۱۳۶۹

است دیگر نمی‌توان به ارائه یک سویه اطلاعات و داده‌ها به دانشجویان امید داشت و در آن جریان آموزش بایستی به صورت دو سویه و رفت و برگشتی تعریف شود و به عبارتی می‌توان گفت که اتخاذ چنین رویه‌ای نسبت به آموزش مستلزم نوعی از جریان‌سازی فرآیند آموزش و بادگیری و کسب دیدگاهی جامع نسبت به تمامی ابعاد وجودی و حرفة‌ای در گذشته (باورها، زمینه‌ها و شرایطی که دانشجویان از گذشته با خود دارند)، و آینده (حیات فردی و اجتماعی پیش‌روی دانشجویان) و حال (برنامه‌ریزی فعلی سامانه آموزشی برای رشد دانشجویان) می‌باشد. نگاه به دانشجو به مثابه انسان در مسیر رشد و کمال، در این رویکرد آموزشی، منجر به اتخاذ جامعیت در نگاه خواهد گردید. لذا در رویکرد آموزش درون‌زا می‌باید که ابتدا ساحت‌های تأثیر گذار در پرورش معمار شناخته شود، سپس به اتخاذ رویکرد و تدوین برنامه در خصوص هر یک از ابعاد پرداخته شود. در مسیر انتلای هر چه بیشتر نظام آموزش معماری علاوه بر پیش‌فرض‌های رویکرد آموزشی درون‌زا، شناخت مشکلات مبتلا به نظام آموزشی جاری و ارائه راهکارهایی برای رفع یا کاستن از شدت عوارض ناشی از آن‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود.

تحت سه عنوان زیر در نظر گرفت: برونداد علمی (تولید دانش)، برونداد اقتصادی (تربیت نیروی انسانی متخصص و عرضه خدمات مشورتی که تولید را یاری دهنده) و برونداد فرهنگی-اجتماعی (پرورش ارزشهای موردنظر جامعه در افراد، تولید ارزش‌های اجتماعی و امثال آن).
اگر بخواهیم مدل ترسیم شده برای نظام آموزش عالی را برای رشته معماری تدقیق نماییم، برونداد هایی که می‌توان از سیستم موقع داشت، شامل معمار مولد و بینش‌مند؛ معماری هویتمند و تولیدات علمی غنی و متكامل خواهد بود که در صورت بررسی دقیق تر موضوع خواهیم دید که در واقع محصولات معماری و تولیدات علمی از جمله تولیدات معمار مولد و واجد بینش جامع تلقی می‌گردد. لذا بر این اساس هدف اصلی این رویکرد آموزشی «پرورش معمار» تعریف می‌گردد. در فرآیند «پرورش معمار» هدف را بر تولید «معمار» قرار داده و مستلزم پذیرش آن است که «معمار» است که «معماری» را خلق خواهد نمود و در آن بدون هدف گزاری بر ارائه شکل و تعریفی خاص از معماری، به کشف و پرورش ویژگی‌ها و استعدادهای دانشجویان می‌پردازد (حجت، ۱۳۸۲).

در الگوی آموزشی که هدف آن «پرورش معمار»

دریی شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۶۰

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۶۱

به تنظیم محتوای درسی و برنامه آموزشی برای تمامی دانشجویان به صورت واحد اقدام می نمایند که این مسئله باعث کاهش انگیزه در دانشجویان در فرایند یادگیری می شود. این موضوع با توجه به تفاوت ها و ویژگی های دانشجویان در سبک های ذهنی و حتی ویژگی های جسمی و فیزیولوژیک و همچنین اختلاف سطح فعلی ایشان در بهره مندی از علوم، فنون و هنرها نیازمند توجه ویژه می باشد. اگر به این موارد عدم توجه برخی از استادی به اهداف و برنامه های آموزشی و سرفصل های تعریف شده برای دروس و عدم هماهنگی بین استادی در نظام آموزشی را نیز بیفزاییم، می توان توقع داشت که این موضوعات منجر به ارائه آموزش های پراکنده و گاه غیر همسو به دانشجویان گردد که در این شرایط دانشجو به درستی و به صورت کامل جایگاه موضوعات درسی و ارتباط میان آن ها را به درستی در نیافرته و به نوعی سردرگمی و بلا تکلیفی دچار شوند. در سامانه آموزش با رویکرد درون زا، استاد قبل از تصدی سمت آموزشگری می بایست از آموزش های اولیه، به منظور آشنایی با اهداف، برنامه ها و روش های آموزش معماري در حوزه ها و مراتب مختلف، ویژگی ها و تفاوت های دانشجویان و نحوه تعامل با ایشان در فرایند آموزش بهره مند گرددند. نظر به تعریف اهداف «تولید محصولات علمی و معماري غنی، هویتمند و متكامل» به عنوان اهداف ثانویه نظام آموزش معماري و اهمیت مکاشفه برای تولید آراء و محصولات جدید، لزوم تأکید بر سطح معرفت شهودی در کنار معرفت منطقی و حسی و الگوی تفکر جانبی در کنار تفکر عمودی محرز می گردد. تنظیم محتوای آموزشی، برنامه و روش آموزشی در این رویکرد از سوی استادی با مشارکت دانشجویان و دیگر استادی و براساس ویژگی ها و ظرفیت های دانشجویان صورت می پذیرد. همچنین در راستای تکامل و اعتلای سیستم آموزشی استادی در ساختار منتج از رویکرد درون زا در آموزش معماري می بایست نسبت به اشتراک گذاری

به تعبیر دیگر ارائه هر گونه مدل آموزشی یا راهکار آموزشی در گام نخست مستلزم شناخت مسائل و مشکلات موجود در سامانه آموزشی خواهد بود که در این مقاله از بین اجزاء به بررسی مشکلات و مسائل آن دسته از اجزایی از نظام آموزش معماري خواهیم پرداخت که می توان با تغییر نگاه و رویکرد و برنامه ریزی در آن تأثیرگذار بود (تصویر شماره ۳). آسیب شناسی اجزاء نظام جاري آموزش معماري و راهکارهای سامانه آموزش معماري با رویکرد درون زا برای حل آن مسائل از میان اجزاء معرفی شده در نظام جاري آموزش معماري در این مقاله سعی می شود به بررسی اجزایی پردازیم که در شرایط موجود می توان با اتخاذ سياست هایی به رشد و تغییر در آن اميدوار بود. این اجزاء مشتمل بر استادی، دانشجویان، محتوای آموزشی، محیط آموزشی و برنامه آموزشی می باشد که در ادامه آسیب شناسی به بررسی راهکارهای پیشنهاد شده برای رفع این موانع خواهیم پرداخت.

استادی تمایل به سمت تولید ابوبه در جریان الگوی فعلی آموزش معماري و تأکید بر عقل گرایی و عدم توجه به سطوح مختلف معرفتی سبب گردیده که جریان آموزش به سوی ارائه اطلاعات قطعی و معلوماتی که درستی آن از قبل پذیرفته شده به دانشجویان سوق پیدا کند. به دیگر سخن در این الگوی آموزشی استادی در پی ارائه پاسخ های درست به سؤال هایی می باشند که احتمالاً دانشجویان در جریان زندگی حرفه ای با آن مواجه خواهند شد. این موضوع موجبات تبدیل سامانه آموزشی را به سمت سامانه ای حافظه محور فراهم نموده است و مانع از مهیا شدن زمینه های بهره گیری از تمامی ظرفیت های ذهنی دانشجویان خواهد گردید. استادی در این الگوی آموزشی براساس سوابق و تجارت و ذهنیاتی که از موضوعات درسی داشته و بر مبنای سرفصل دروس مورد تصویب نسبت



تصویر ۴. نمودار بررسی تطبیقی مسائل مرتبط با الگوی فعالیت اساتید در سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون زا برای رفع آن ها؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان.

حد زیادی جایگزین کیفیت محصولات گردید. این موضوعات به تدریج موجب ایجاد تلقی از محصولات معماری می توان به عنوان محصولات مستقل از زمینه و ارزش ها و باورهای فردی و اجتماعی شده است. این مسئله علی الخصوص در قشر دانشجویان، موجب نوعی بی توجهی به «مکاشفه و تحقیق برای شناخت زمینه های دربرگیرنده و باورها و ارزش های موجود» گردیده و به گونه ای نگرش سطحی نسبت به موضوعات مورد طرح در فرآیند تحصیل انجامیده تا جایی که در بسیاری از موارد، دانشجویان دیگر حتی تولید معماري واحد کیفیت مناسب در نقطه هدف قرار نداشته، بلکه هدف برای ایشان اخذ بازخورد مناسب از اساتید در فرایند سنجش محصولات ایشان تعریف می گردد. علاوه بر موارد فوق، عدم اشراف و بی اطلاعی دانشجویان معماري از برنامه ها و اهداف آموزشی، آینده شغل و لوازم و ابزار و لوازم تصدی جایگاه معمار در کنار بی توجهی سیستم آموزشی به ویژگی ها و خواسته های دانشجویان؛ می تواند موجب ایجاد نوعی سردرگمی و بی انگیزگی در مواجهه با سرفصل های مختلف

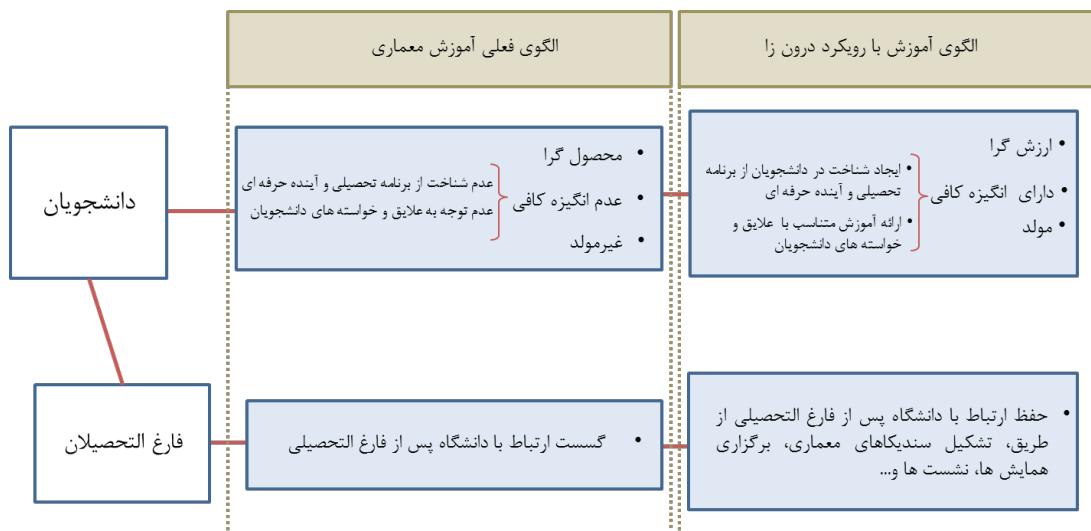
تجربیات خود از طریق بسترهای فراهم شده اقدام نمایند.

دانشجویان

با جایگزین شدن الگوی آکادمیک به جای الگوی سنتی آموزش معماري با الگوی آکادمیک به تدریج تعداد دانشجویان تحت نظر اساتید رو به افزایش گذاشت که به تبع آن از میزان توجه و تمرکز اساتید بر کیفیت آموزش دانشجویان کاسته شد. از طرفی تغییر شرایط جامعه، نیازها والگوی زندگی ایشان، افزایش جمعیت و بعدها وقوع جنگ (و افزایش نیاز به تولید سریع مسکن به تبع آن) در کنار شرایط نظام آموزشی من جمله نظام آتبیه ای طراحی معماري؛ در مجموع موجب جدایی و انفكاك معماران و بهره برداران از یکدیگر و کاهش توجه به خواسته ها، ویژگی ها و نیازهای بهره برداران و شرایط زمینه های حدوث آثار معماري و تمرکز بر کمیات به جای کیفیات گردید. تأثیر این تغییر رویکرد در سیستم آموزش معماري نیز به صورت محسوس مشاهده می گردد تا جایی که محصول نگری جایگزین فرایند محوری و تأکید بر سرعت و حجم تولیدات تا

درییت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



تصویر ۵. نمودار بررسی تطبیقی مسائل دانشجویان در سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون زا برای رفع آنها؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

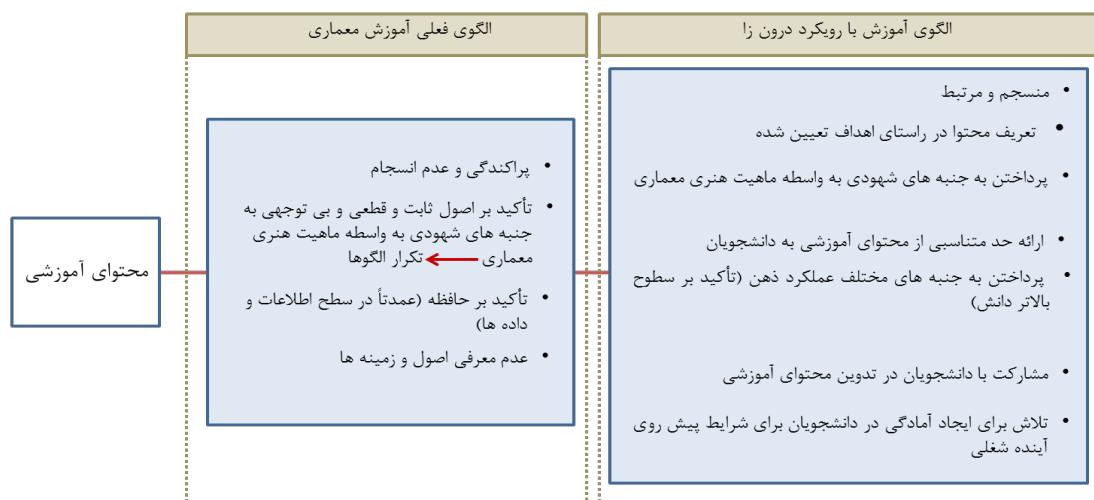
۱۶۳

آموزشی در دانشجویان گردد، چرا که دانشجو موفق به درک کامل ارتباط اجزاء با یکدیگر در راستای اهداف مورد نظر نمی‌گردد و ایجاد نوعی تلقی رفع موانع از فرایند تحصیل به جای تلاش در جهت کسب ابزارهای تولید براساس ابعاد و حوزه‌های فعالیت یک معمار، امری بسیار محتمل و منطقی می‌نماید. در این شرایط دانشجویان احتمالاً بیشتر تمرکز خود را به جای شناخت خود و ویژگی‌های زمینه‌های دربرگیرنده و شکوفایی توانایی خویش در راستای تولید محصولات علمی و معماري بر دفع موانع موجود و کسب نتیجه بالاتر در فرایند ارزیابی معطوف می‌نمایند. مسئله دیگر گسیست ارتباط نظام آموزش با فارغ‌التحصیلان می‌باشد. دانشگاه در نظام فعلی آموزش معماري، رسالت خود را صرفاً محدود به دوران تحصیل دانشجویان می‌داند. این عدم پشتیبانی دانشگاه پس از فارغ‌التحصیلی، از طرفی موجب هدررفت نیروی انسانی متخصص و عدم ساماندهی و به کارگیری آنان در جهت کسب منافع و تأمین نیازهای جامعه شده و از سوی دیگر ممکن است موجبات عدم برخورداری از جایگاه شایسته یک معمار را فراهم آورد. این در حالیست که بنای رویکرد آموزشی درون زا، بر توجه به رشد دانشجو در کنار تولید محصول علمی و معماري با کیفیت قرار گرفته است. برای پرورش دانشجویان ابتدا بایستی در ایشان انگیزه حرکت در جهت رشد و پویایی ایجاد گردد. دانشجویان در این سامانه آموزش، با اهداف و برنامه آموزشی و آینده حرفه‌ای خود آشنا شده و ارتباط هر یک از مفاد درسی با اهداف موصوف و در جهت رفع نیازهای پیش رو در حرفه معماري را درمی‌یابند. در فرایند آموزش با این رویکرد، تنظیم محتوا، روش و برنامه‌ریزی و حتی سنجش به تناسب استعدادها و ویژگی‌ها و نیازهای پیش رو برای هر دانشجو صورت پذیرفته و دانشجو به شناخت از خود، شرایط دربرگیرنده، رسالت خود و ابزارهای تحقق آن رسالت‌ها، اصول تعیین‌کننده و زمینه‌های دربرگیرنده دست یافته و در این فضا دارای آزادی عمل بوده تا با ابتنای بر این موارد با بهره‌گیری از توانایی‌های خود به آفرینشگری بپردازد. در نتیجه دانشجویان در این سیستم به عنوان عناصری مولد تلقی می‌گرددند. الگوی آموزش درون زا در پی حفظ ارتباط خود با قشر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌باشد. این ارتباط می‌تواند از طرق مختلف از جمله برگزاری همایش‌ها، نشستهای علمی و

محتواهی آموزشی

در الگوی جاری آموزش معماري، در اغلب دانشکده های معماري، هدف بر اين قرار گرفته که تمامی اندوخته های مورد نياز يك معمار در كليه حوزه ها را در قالب محتواي آموزشی به دانشجويان ارائه داده و دانشجويان پس از كسب اشراف و تبحر لازم نسبت به تمامی حوزه ها از آن رشته فارغ التحصيل گردند. اين رويه ممکن است در برخی از رشته های تخصصی که حوزه محدودی را در برمی گيرند مقدور باشد، اما تحقق اين رویکرد نظر به ماهیت بینارشته ای و فرارشته ای و حوزه های بسیار وسیع مرتبط با این رشته امری بعيد به نظر می رسد و موجب پراکندگی و عدم انسجام در ارائه مطالب خواهد گردید. اين موضوع در صورت عدم اتخاذ تدابیری برای رفع اين موضوعات به نوعی از آموزش

سطحی خواهد انجامید. از ديگر مسائل الگوی جاری آموزش معماري، تکرار الگوهای پيشين و غير مولد بودن استايد و دانشجويان در زمينه توليد علم و الگوهای معماري است که از جوانب مختلفی از جمله تأکيد الگوی فعلی آموزش بر ارائه اطلاعات قطعی به دانشجويان و پذيرش آن از سوی دانشجويان رiese می گيرد. تمرکز الگوی جاری آموزشی بر الگوهای تفکر عمودی بوده و فرصت کافي برای ظهور و بروز اندیشه های جانبی در اختيار دانشجويان گذاشته نمی شود. اين در حالی است که ماهیت هنري و خلاقه رشته معماري در کنار جنبه های علمي و فني اين رشته، بهره گيري از جنبه های شهودي و حسي معرفت انساني را توأمان با تفکر منطقی والگوی تفکر جانبی را در كنار الگوی تفکر عمودي، ايجاب می نماید. بر اساس تحليل های صورت گرفته توسط نگارندگان اين مقاله بر روی محتواي کنوئي آموزش معماري بر اساس سرفصل های مصوب آموزشی (در مقطع کارشناسي رشته مهندسي معماري)، محتواي آموزشی اين رشته بيشتر به حجم معلومات و دانسته های دانشجويان می افزاید و حافظه دانشجويان را بيشتر هدف قرار داده است و كمتر به دانشجويان فرصت شناسايی ارزش ها، باورها، اعتقادات، خاطرات و... ديگر مظاهر ايدئولوژيك و در يك کلام خوبيشن شناسى را می دهد که البته دانش به مراتب پايدارتری از گونه نخست خواهد بود. همچنين اهميت زمينه های احاطه کننده در فرآيند خلق اثر معماري، ايجاب می کند که سهم متناسبي از زمان و حجم مطالب آموزشی را به شناخت آن ها اختصاص داده تا علاوه بر پايدار سازی مطالب آموخته شده، دانشجو را برای مواجهه با شرایط و موقعیت های آينده در كسوت يك معمار حرفه مند، آشنا نمایيم. در سامانه آموزش معماري با رویکرد درون زا، تلاش بر آن است تا محتواي آموزشی دروس مختلف ضمن حفظ انسجام و ارتباط با يكديگر، در جهت اهدف تعين شده تعريف شود. تنظيم محتواي مورد ارائه در اين الگوی آموزشی، با هماهنگی و مشاركت



تصویر ۶. نمودار بررسی تطبیقی مسائل موجود در محتوای آموزشی سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون زا برای رفع آن ها؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان.

دانشجویان صورت می پذیرد؛ چرا که به طور کلی، آن و هم «محیط فیزیکی و کالبدی» را شامل می گردد.

محیط کالبدی

عدم تناسب موجود بین حجم فضاهای آموزشی و تعداد دانشجویان از تبعات افزایش حجم جذب دانشجویان در دانشکده های معماری بوده تا جایی که بسیاری از دانشگاه ها، پاسخگوی نیاز دانشجویان حتی از نظر حجم فضاهای مورد نیاز به عنوان یکی از اساسی ترین و بدیهی ترین امکاناتی که دانشگاه ها باشند. این نیاز با توجه به ماهیت رشته معماری و جنبه های مختلف فعالیت این رشته محدود به کلاس های آموزشی نبوده و فضای کارگاه ها، آتلیه ها و... را نیز دربرمی گیرد. از طرف دیگر توجه به جنبه های مشارکتی در کنار جنبه های فردی فعالیت دانشجویان، پیش بینی فضاهایی جهت بسترسازی این نوع تعاملات را ضروری می نماید. فضاهایی که در آن امکان همکاری و فعالیت های مشترک، مباحثه و مناظره در ابعاد مختلف را بین دانشجویان با یکدیگر و نیز دانشجویان و کادر آموزشی فراهم می آورد. این فضاهای حتی می تواند به عنوان محور جهت دهنده به سایر فعالیت های آموزشی دانشگاه ایفای نقش نماید. حتی می توان

این الگوی آموزشی در تلاش است تا دانشجویان را برای مواجهه شرایط آینده حرفه ای مهیا نماید. دانشجویان بر اساس علایق، توانمندی ها، شرایط و به تناسب اهداف و آینده شغلی پیش رو در تنظیم محتوای درسی این رشته مشارکت می نماید. لذا توجه به شرایط، ویژگی ها، پتانسیل ها، خواسته ها و تمایلات دانشجویان در تنظیم محتوای آموزشی از بایسته های این رویکرد آموزشی است. این رویکرد آموزشی به هیچ عنوان در پی ارائه همه مطالب موجود نبوده و مسئله محور بودن این رویکرد سبب شده تا تأکید عمده این رویکرد بر آموزش اصول و قواعد کلی در قالب زمینه ها می باشد. لذا در این رویکرد حد مناسبی از محتوای آموزشی که عمدها ناظر به اصول ثابت و سطوح بالاتر علم به دانشجویان ارائه می گردد. همچنین ماهیت هنری و خلاقه معماری سبب می گردد تا در این رویکرد آموزشی در کنار پرداختن به سطوح منطقی معرفت انسانی به معرفت حسی و شهودی دانشجویان معماری نیز تأکید گردد.

محیط آموزشی

در این مقاله مفهوم «محیط آموزشی» هم «محیط اجتماعی» درون نظام آموزشی و جامعه در برگیرنده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۶۵



تصویر ۷. نمودار بررسی تطبیقی مسائل موجود در محیط های آموزشی سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درونزا برای رفع آن ها؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان.

آموزش معماری باشد؛ لازم است در این **الگوی آموزشی** اقدام لازم جهت فراهم آمدن محیط های کارگاهی مناسب برای دانشجویان صورت پذیرد.

محیط اجتماعی

ماهیت حرفه معماری به گونه ای است که طی آن تعاملات اجتماعی بین معمار و سایر متخصصان مرتبط و نیز اشار مختلط اجتماعی امری بایسته و حتمی است. بر این اساس اگر هدف دانشگاه زمینه سازی برای رشد دانشجوی معماری در تمامی زمینه ها باشد، اهمیت زمینه سازی برای تقویت تعاملات اجتماعی در دانشجویان آشکار می گردد. از این زاویه، اساساً دانشگاه می تواند به عنوان پستی جهت ایجاد تعاملات اجتماعية دانشجویان ایفای نقش کند. این تعاملات می تواند میان دانشجو با دیگر دانشجویان، کادر علمی دانشگاه، محیط حرفة ای (از طریق سندیکاهای معماری) و حتی اشار مختلط اجتماعی رخ دهد. لذا در این راستا برنامه آموزشی دانشگاه باید به گونه ای تنظیم گردد که در آن زمینه بروز حد مناسبی از رفتارهای فردی و اجتماعی فراهم شود.

مشارکت دانشجویان را در جریان بهسازی و توسعه فضاهای دانشگاهی به کار گرفت که هم موجب تقویت تجربه ساخت در دانشجویان گردد و هم سبب ایجاد نوعی حس تعلق و انگیزه در آن ها می شود که این فرصتی است که در حال حاضر در بسیاری از دانشگاهها به دست فراموشی سپرده شده است. برنامه رویکرد درونزا برای بهسازی و ساماندهی محیط کالبدی آموزش معماری بر آن است که در کنار پیش بینی طراحی آن نیز مطابق با تعداد دانشجویان، **الگوی طراحی** آن نیز مطابق با عملکرد فضای آموزشی و نیاز دانشجویان باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده در صورتی که محیط آموزشی صرفاً به محیط های بسته آموزشی محدود نشده و به صورت ترکیبی از فضاهای باز، بسته و نیمه محصور (بیناییان) پیش بینی گردد، راندمان تحصیلی دانشجویان به نحو قابل ملاحظه ای پیشرفت می نماید. این موضوع همچنین موجب افزایش غنای تجربه فضایی دانشجویان می گردد و از آنجا که تأکید کافی بر تجربه های ساخت در کنار جنبه های تئوری و آتلیه ای معماری از بایسته های

درییت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

برنامه آموزشی

در بررسی برنامه آموزشی به صورت کلی می‌توان عوامل مورد بررسی را در دو دسته «ویژگی‌های کلی» و «مراحل» آن تقسیم‌بندی کرد.

ویژگی‌های کلی

برنامه آموزشی نظام فعلی آموزش معماری در حوزه ویژگی‌ها از مسائل و مشکلاتی برخوردار است که در ذیل به کلیاتی در این باره اشاره خواهد گردید: جریان یکسویه آموزش و بدون مشارکت با دانشجویان یکی از اساسی‌ترین مسائل این الگوی آموزشی می‌باشد. تلقی این رویکرد نسبت به دانشجو مشابه رویکرد هایی است که نگاه به دانشجو در آن‌ها به مثابه ظرف تهی از معلومات بوده لذا سعی بر ارائه مطالب و انباشته نمودن ذهن ایشان از معلومات بوده که به روشی همانند سامانه‌های مبتنی بر تولید انبوه، به صورت ارائه محصولات آماده به دانشجویان می‌باشد که به ناچار بر اساس چنین نگاهی به ویژگی‌ها و پتانسیل‌های دانشجویان، سطح بهره‌مندی ایشان از علوم، هنرها و مهارت‌های مورد نیاز و ویژگی‌های زمینه‌های احاطه کننده نمی‌توان توجه کافی داشت و آموزش به صورت یکسان و واحد به ایشان ارائه می‌گردد. همچنین سرعت و حجم آموزه‌ها درسی در این الگوی آموزشی باعث می‌شود که به کمیات اکتفا شده و کمتر به کیفیات پرداخته شود.

مراحل آموزشی

اگر بخواهیم مراحل برنامه آموزش جاری را دسته‌بندی کنیم می‌توانیم به مرحله «پذیرش»، «آموزش» و «سنجدش» اشاره نماییم. از میان این سه مرحله، مرحله «پذیرش» در موضوع بررسی این مقاله قرار نمی‌گیرد. در الگوی فعلی آموزش معماری مراحل «آموزش» و «سنجدش» به صورت متوالی برگزار می‌گردد که در ادامه به اختصار به بررسی مسائل و مشکلات این دو حوزه خواهیم پرداخت.

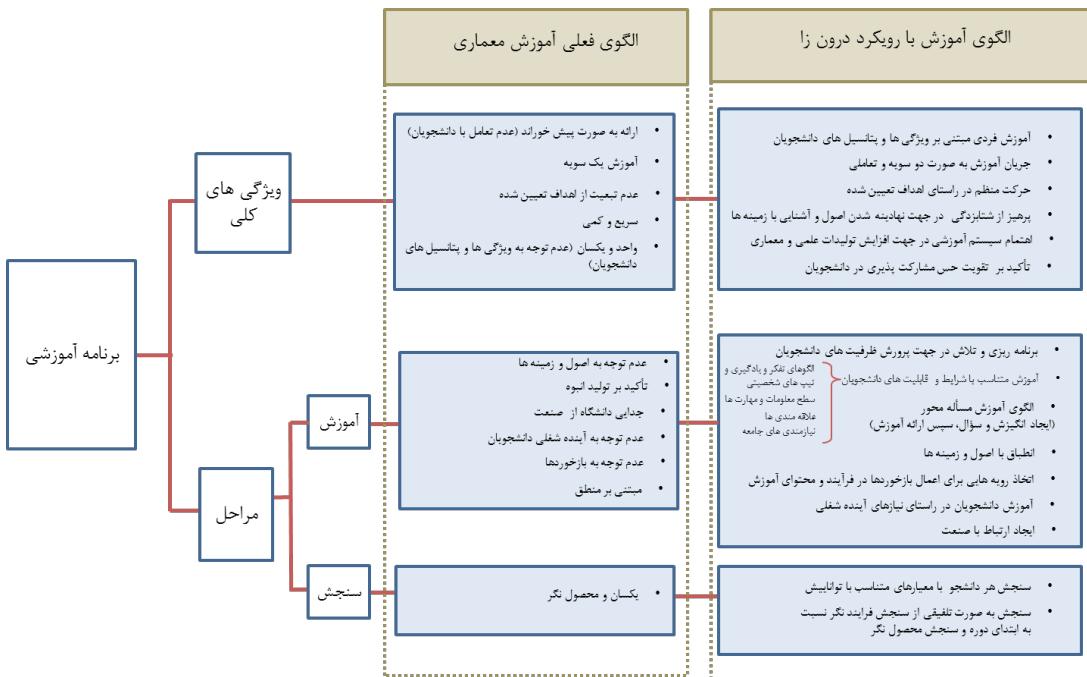
مراحل آموزش

مرحله آموزش همان‌گونه که قبل‌نیز بدان اشاره گردید متأثر از نظام تولید انبوه برگرفته از نهضت مدرن بوده و دانشجویان در این نظام با روشی یکسان و به شیوه‌ای سریع و کمی از آموزه‌های ارائه شده بهره‌مند می‌شوند. در این سیستم آموزشی به «اصول» و «ارزش‌ها» و «باورها» فردی و اجتماعی و «اصول حرفه‌ای» این رشتہ توجه کافی نشده و به «زمینه‌ها»ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی، اقلیمی و... که هر یک ساختاردهنده و انتظام‌بخش وجهی از محصولات معماری می‌باشند، به نحو درخور پرداخته نمی‌شود. از دیگر سوی، به نظر می‌رسد که سیستم جاری آموزش معماری از نظام جاری تولید و توسعه محصولات معماری در کشور غافل بوده و در ارتباط دانشگاه و صنعت نوعی گستالت ایجاد شده است. در این شرایط صنعت کمتر در جهت دستاوردهای روز علمی سوق نموده و نظام آموزش نیز از اخذ برخوردهای لازم بازمی‌ماند. ابتناء این الگو بر سطح علوم منطقی از میان سطوح مختلف معرفتی از دیگر موضوعات موجود در این زمینه می‌باشد. این در حالیست که در الگوی آموزش معماری تعریف شده بر پایه رویکرد درون زا، در تلاش است تا با کسب شناخت نسبت به هر دانشجو، ظرفیت‌های آن‌ها را شناسایی کرده و برای پرورش آن ظرفیت‌ها برنامه‌ریزی نماید، در این راستا محتوا، برنامه و روش‌های آموزش به صورت فردی به تناسب الگوهای تفکر، یادگیری و تیپ شخصیتی هر دانشجو، سطح مهارت و معلومات ایشان و باورها و زمینه‌های دربرگیرنده، اهداف و زمینه‌های مورد علاقه ایشان و با توجه به نیازهای جامعه تنظیم می‌گردد. این الگوی آموزشی مسئله‌محور است، یعنی به جای سعی در ارائه «پاسخ» به پرسش‌های احتمالی دانشجویان؛ در پی ارائه «بینش» لازم برای تشخیص مسائل و راه حل‌ها آن به دانشجویان می‌باشد، لذا جریان آموزش در این رویکرد به نهادینه شدن اصول حرفه‌ای و آشنایی با ارزش‌ها و باورهای فردی و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۶۷



تصویر ۸. نمودار بررسی تطبیقی مسائل موجود در برنامه آموزشی سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون زا برای رفع آن ها؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان.

دریافت می گردد با توجه به تأثیری که در اعتلا و پیشرفت نظام آموزشی خواهند داشت، بسیار حائز اهمیت می باشد.

مرحله سنجش

مرحله «سنجش» از مراحل آموزشی فعلی نیز همانند مرحله آموزش، به نوعی یکسان نگری و عدم توجه به ویژگی ها و تفاوت های دانشجویان مبتلا می باشد. از دیگر مسائل موجود در این زمینه می توان به «ارزیابی محصول نگر» در دانشکده های معماری اشاره نمود. در این رویکرد معیارهای ارزیابی برای سنجش محصولات تولید شده توسط دانشجویان تعیین می گردد و توجه چندانی به نحوه رشد دانشجویان در این فرایند نمی شود. در الگوی آموزشی مبتنی بر رویکرد درون زا، سنجش به تناسب توانایی ها ویژگی های هر دانشجو، به صورت انسانی آغاز خواهد گردید. نقش بازخوردهایی که از طریق جامعه حرفه مندان، دانشجویان و کنار سنجش محصولات تولید شده دانشجویان مد

اجتماعی و زمینه های دربرگیرنده تأکید دارد. توجه به شرایطی که دانشجویان برای فعالیت در آماده گردن و شناسایی نیازها و شرایط آن از یک طرف و نقش و حوزه فعالیت معماران از طرف دیگر و لزوم

ارائه آموزش هایی برای مهیا نمودن دانشجویان برای مواجهه با آن شرایط را محرز می نمایند. از آنجا که لازمه تحقق اهداف مورد نظر در آموزش معماری با رویکرد درون زا داشتن انگیزه در دانشجو جهت طی این مسیر باشد، در این الگوی آموزشی سعی بر آن است که ابتدا انگیزش لازم در دانشجو برای کسب محتوا آموزشی ایجاد شود سپس مواد آموزشی در زمینه های تعیین شده به ایشان ارائه گردد. مهم ترین راهکار افزایش انگیزه در این رویکرد آموزشی ایجاد سؤال در ذهن ایشان از میان مسائل احاطه کننده است، چرا که با ایجاد سؤال، تلاش برای یافتن پاسخ برای آن به حکم فطرت و غریزه انسانی آغاز خواهد گردید. نقش بازخوردهایی که از طریق جامعه حرفه مندان، دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی و اقشار مختلف اجتماعی

دریست شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

نظر قرار گیرد.

اصول آموزش معماری با رویکرد درون زا جامعیت

نخستین و بنیادی ترین اصل از اصول رویکرد درون زا در آموزش معماری «اصل جامعیت» می باشد؛ چرا که در این رویکرد، تلقی از دانشجو به عنوان انسانی بوده که می باشد در جهت کمال انسانی، در مسیر حرفه معماری گام بردارد و به رشد و تعالی انسانی در مقام یک معمار نایل آید، در این راستا لازم است که زمینه ها در راستای کسب تجربه برای آینده شغلی از بایسته های این رویکرد آموزشی است. نظر به جایگاه اصول و ارزش های فردی و اجتماعی و نقش و تأثیری که در تجلی هویت می گذارد، در این رویکرد آموزشی برنامه های آموزشی به گونه ای تنظیم می گردد که دانشجو ضمن آشنایی با این اصول و ارزش ها، اسلوب القای ارزش ها را در زمینه های دربرگیرنده را آموخته و تکرار این روند در جریان تمامی سطوح باعث می گردد که این الگو در دانشجو نهادینه گشته و از این طریق در صدد بازنمایی ژن های فرهنگی در جریان تولیدات معماری برخواهیم آمد. از طرفی، نظر به ماهیت آموزش معماری که در آن جنبه های تئوری و عملی به صورت تؤمنان می باشد، لازم است که ضمن پرداختن به این دو جنبه در جریان آموزش به صورت متوازن، ارتباط مفهومی این دو ساحت نیز در جریان آموزش به صورت تجربی برای دانشجویان تبیین گردد. عفرزاده ترتیب مراحل تجربه و آموزش در الگوهای گذشته و فعلی آموزش معماری را به شرح ذیل تعبیر می کند: «در گذشته ابتدا تجربه می کردند. این تجربه را بر اساس نبوغ و هوش خود تبدیل به اندوخته می شود بعد این اندوخته را تبدیل به اموخته می کردند. امروز روال آموزش عکس آن است یعنی اول می آموزیم بعد می آندوزیم سپس تجربه می کنیم» (عفرزاده، ۲۰۰۷). اما این جریان آموزش درون زا به صورت متناوب بوده که در آن مرتب در حال آزمودن هر یک از

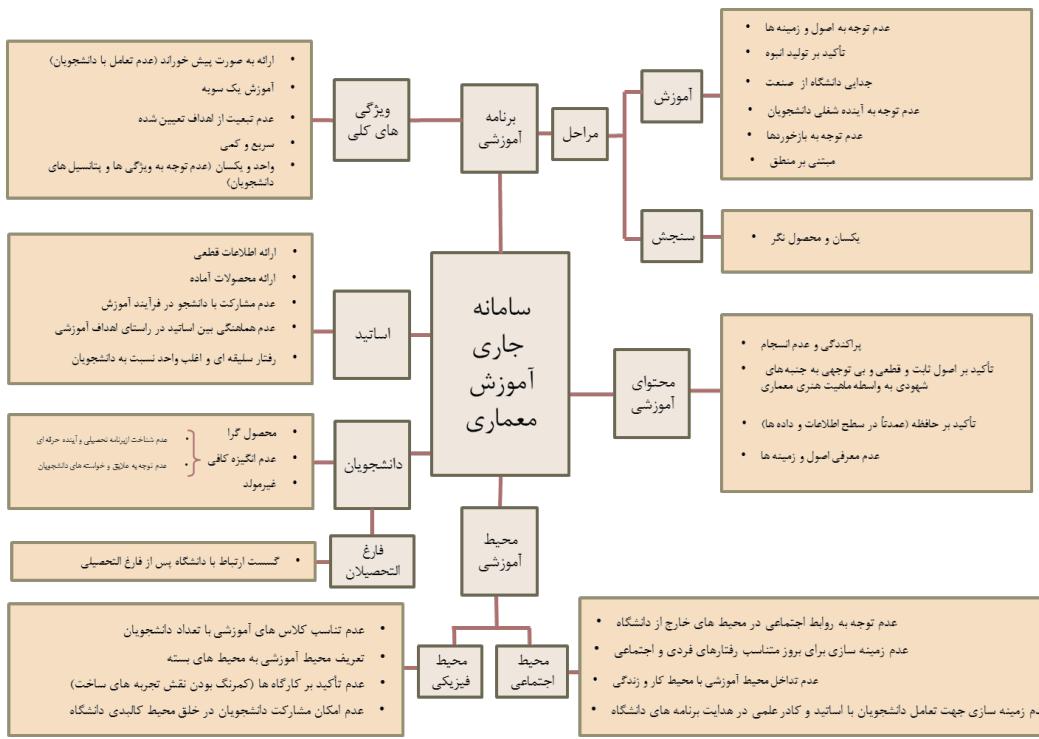
شناخت ابعاد مختلف مرتبط با معماری

در این رویکرد سعی بر آن است تا با داشتن نگاهی جامع به تمامی حوزه های مرتبط با معماری شامل علوم، فنون و هنرها به تنظیم برنامه و محتوای آموزش پرداخته شود و در جریان آموزش این نگاه جامع به دانشجو نیز منتقل گردد. در این راستا توجه به زمینه های دربرگیرنده نظام آموزشی و دانشجوی معماری و زمینه هایی که دانشجو برای فعالیت در آن تربیت می شود و مواجهه مداوم دانشجو با آن زمینه ها در راستای کسب تجربه برای آینده شغلی از بایسته های این رویکرد آموزشی است. نظر به جایگاه اصول و ارزش های فردی و اجتماعی و نقش و تأثیری که در تجلی هویت می گذارد، در این رویکرد آموزشی برنامه های آموزشی به گونه ای تنظیم می گردد که دانشجو ضمن آشنایی با این اصول و ارزش ها، اسلوب القای ارزش ها را در زمینه های دربرگیرنده را آموخته و تکرار این روند در جریان تمامی سطوح باعث می گردد که این الگو در دانشجو نهادینه گشته و از این طریق در صدد بازنمایی ژن های فرهنگی در جریان تولیدات معماری برخواهیم آمد. از طرفی، نظر به ماهیت آموزش معماری که در آن جنبه های تئوری و عملی به صورت تؤمنان می باشد، لازم است که ضمن پرداختن به این دو جنبه در جریان آموزش به صورت متوازن، ارتباط مفهومی این دو ساحت نیز در جریان آموزش به صورت تجربی برای دانشجویان تبیین گردد. عفرزاده ترتیب مراحل تجربه و آموزش در الگوهای گذشته و فعلی آموزش معماری را به شرح ذیل تعبیر می کند: «در گذشته ابتدا تجربه می کردند. این تجربه را بر اساس نبوغ و

هوش خود تبدیل به اندوخته می شود بعد این اندوخته را تبدیل به اموخته می کردند. امروز روال آموزش عکس آن است یعنی اول می آموزیم بعد می آندوزیم سپس تجربه می کنیم» (عفرزاده، ۲۰۰۷). اما این جریان آموزش درون زا به صورت متناوب بوده که در آن مرتب در حال آزمودن هر یک از

حوزه شمول آموزش با رویکرد درون زا

دیدیم که رویکرد آموزشی از نوعی جامعیت برخوردار است حال بینیم دامنه این جامعیت تا کجاست و چه حوزه هایی می باشد در این رویکرد آموزشی مدنظر قرار گیرد.



تصویر ۹. نمودار بررسی پیشنهادات رویکرد آموزشی جاری برای رفع مسائل و مشکلات نظام جاری آموزش معماری

در پیش‌شمرگی

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

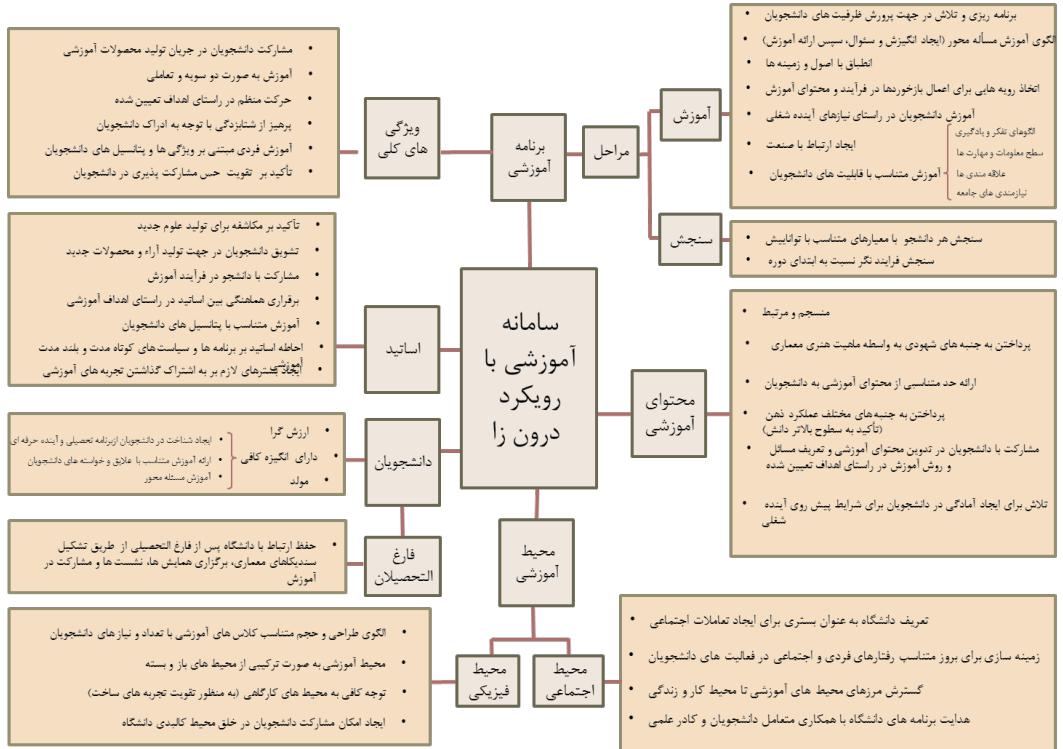
۱۷۰

ادراک منطقی؛ آموزش آن از طریق ارائه محتوای آموزشی متناسب با حوزه تخصصی مربوطه ممکن می شود ولی در خصوص سطوح ادارکی حسی و شهودی اعتقاد بر این است که این سطوح از معرفت انسانی در وجود هر انسانی موجود بوده و در جریان آموزش معماری کافیست دانشجو را از وجود این معارف در نهاد خویش آگاه نموده و ابزارهای کنترل این حوزه ها را به دست آنان داد.

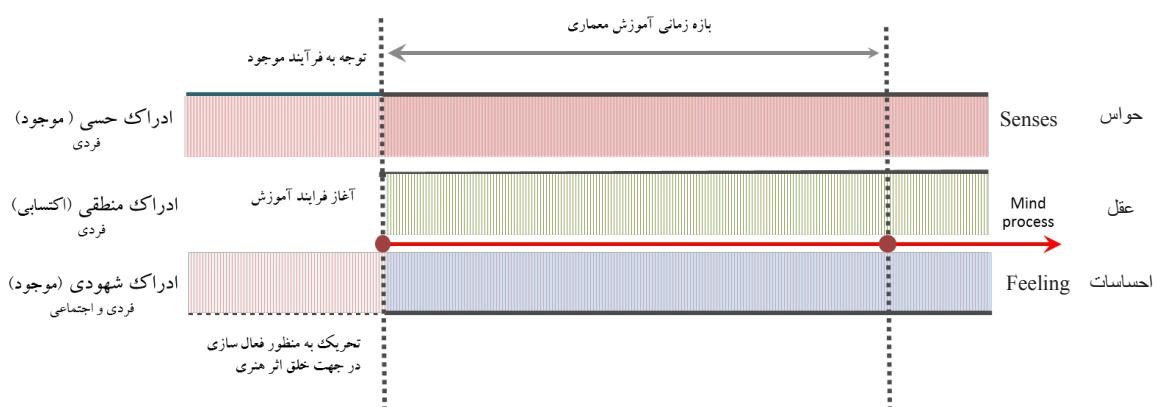
حوزه زمانی آموزش معماری با رویکرد درون زا
در این رویکرد آنچه که دانشجویان به عنوان ذخیره تجربی و ارزشی فردی و اجتماعی که از گذشته با خود دارند توجه شده و برای آنچه که در آینده با آن مواجه می گردند برنامه ریزی به عمل می آید که این برنامه ریزی بنابر مقتضیات زمان حال اتفاق می افتد. در نتیجه حوزه زمانی این رویکرد آموزشی از گذشته شروع شده و تا آینده ادامه دارد.
ارتباط رویکرد درون زا به آموزش معماری با حوزه های علوم، فنون و هنرها
از آنجا که معماري در فصل مشترك علوم، فنون و

ساحت ها در حوزه ساحت دیگری می باشیم.
شناخت ساحت های مختلف معرفت انسان

آموزش با رویکرد درون زا برای ادراک افراد سه سطح قائل می شود: ادراک حسی، ادراک منطقی، ادراک شهودی؛ که ابزار کسب معرفت حسی، حواس ظاهری مبتنی بر غریزه انسانی، ابزار معرفت منطقی، عقل و ابزار ادراک شهودی، فطرت انسان می باشد. معرفت عقلی حصولی بوده و دو گونه دیگر از نوع حضوری می باشند. بعد از نهضت مدرن، به واسطه تأکید مدرنیته و پس از آن مدرنیزم بر عقل گرایی، لزوم توجه به سطوح ادراکی حسی و شهودی، به مثابه سایر منابع حصول معرفت انسانی، علی الخصوص در جوامع آکادمیک تقریباً به دست فراموشی سپرده شد. تأثیر این موضوع را می توان در الگوی آموزش حوزه ها و رشته های تحصیلی مرتبط با هنر نیز می توان به وضوح مشاهده نمود. حال آن که به گواهی بسیاری از منتقدین و نظریه پردازان، می توان از سطوح ادراکی حسی و شهودی، به عنوان سرچشمه خلق آثار هنری یاد کرد. نظر به ماهیت حصولی



تصویر ۱۰. نمودار بررسی پیشنهادات رویکرد آموزشی درون زابرای رفع مسائل و مشکلات نظام جاری آموزش معماري



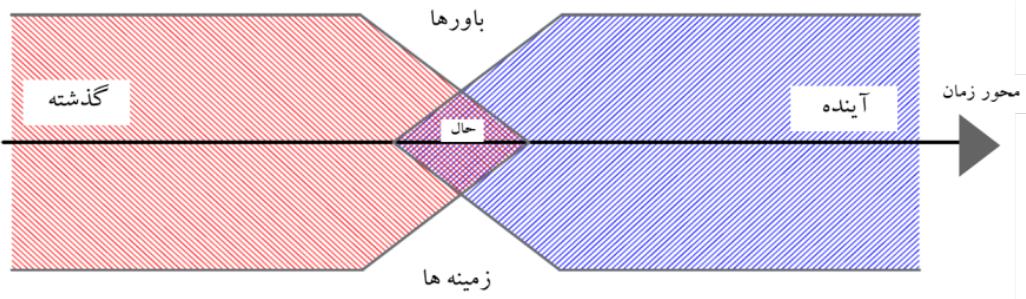
تصویر ۱۱. مدل ارتباطی سطوح مختلف ادراک انسان؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

دانشجویان از ابعاد مختلف وجودی خود، توانایی های خود، اصول و ارزش های فردی و اجتماعی و زمینه های در برگیرنده می باشد که این موضوع به نوبه خود منجر به ایجاد جامعیت در نگاه دانشجویان خواهد گردید. همچنین بر اساس طبقه بند های معرفی شده از سطوح مختلف علوم (شامل سطوح داده، اطلاعات، دانش و خرد) برنامه آموزشی،

هنرها قرار گرفته و دانشجوی معماری برای دست یابی به جایگاه واقعی یک معمار بایستی بر تمامی این حوزه‌ها تسلط یافته و به ابزارهای این حوزه‌ها که همانا بهره مندی از دانش کافی، کسب مهارت های مهندسی و بروش خلاقیت است دست باید.

پیش از

این الگوی آموزشی در پی ایجاد شناخت در



تصویر ۱۲. حوزه شمول زمانی ارتباط الگوی آموزشی مبتنی بر هدف «پرورش معمار»؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

اساس می توان گفت که آموزش معماری با رویکرد درون زا اساس فعالیت های خود را به جای رائمه آموزش یکسان و واحد، بر رائمه فرصت های برابر و یکسان جهت رشد و تعالی در قالب پتانسیل های خود و در چارچوب زمینه های احاطه کننده خود، قرار داده است.

ازادی عمل دانشجویان

از وجود آسیب هایی همچون عدم زایندگی و تکرار الگوها در نظام جاری آموزش سخن به میان آمد، همچنین جایگاه اصول و ارزش های فردی، اجتماعی و حرFFE ای و نحوه مواجهه دانشجویان با آن ها در آموزش معماری با رویکرد درون زا تشریح گردید. اگر به این موضوعات جنبه خلاقه رشته معماری و نقش آفرینشگری در تولید محصولات علمی و معماری را بيفزايم، خواهيم ديد که برای تأمین جنبه زایندگی و مولد بودن اين رویکرد آموزشی بايستی که اعطای آزادی عمل به دانشجویان در جایگاه اصول اين رویکرد آموزشی قرار گيرد، البته اين آزادی يك نوع آزادی بدون حد و مرز نبوده بلکه دانشجویان در چارچوب اصول و ارزش های تعیین کننده و زمینه های احاطه کننده از آزادی عمل برخوردارند. لذا بر این اساس دانشجویان ضمن انعکاس جنبه های هویت در آثار خود، به نیازها و محدودیت های زمینه فعالیت خود آشنا بوده و به تولید محصولات و آثار جدید و متناسب با آن نیازها و شرایط می پردازند.

در این الگوی آموزشی به هیچ وجه به دنبال انباشت ذهن دانشجویان با اطلاعات و داده های متکثرا در سطوح نازل تر علوم نبوده بلکه در پی نهادینه کردن اصول متعالی تر در ذهن دانشجویان بوده و به تناسب موضوعات دانش در سطوح پایین تر نیز رائمه خواهد گردید. این موضوعات در مجموع سبب اجتناب از الگوی انباشت اطلاعات و حافظه محوری که سیستم جاری آموزش معماری بدان مبتلاست شده و موجبات تأمین اصل بینش افزایی در دانشجویان را فراهم می نماید.

ایجاد فرصت های برابر

با توجه به تفاوت های انسان ها با يكديگر در ابعاد مختلف (از جمله تفاوت در ويژگي های فيزيولوژيك و جسماني؛ سبك های ذهني- از مهمترین جنبه های آن می توان به سبك های تفكير و يادگيري و سبك های شناختي اشاره نمود؛ سطح مهارت، دانش و خلاقيت دانشجویان؛ زمنيه های دربرگيرنده آن ها؛ شرایط گذشته و اهداف و برنامه های پيش روی دانشجویان و...) و ارتباط آن با فرآيند آموزش معماری؛ تأکيد رویکرد درون زا در آموزش معماری بر شناخت اين ابعاد در دانشجویان در ابتدائي مراحل آموزشی بوده که بر اساس آن برنامه و محتواي آموزشی برای هر يك از دانشجویان تنظیم می گردد. البته اين روند، روندي يکسویه و از پيش تعیین شده برای دانشجویان نبوده بلکه طی تعامل با دانشجو اين فرآيند تنظیم می گردد. بر اين

جدول ۲. جدول معرفی اصول آموزش معماری با رویکرد درون‌زا و مؤلفه‌های آن؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

اصول	اهداف و ضرورت	مؤلفه‌ها
اصل جامعیت معماری	تلقی از دانشجو به مثابه انسان در مسیر رشد و کمال در چهارچوب رشتہ	- توجه به ابعاد وجودی دانشجو - توجه به ابعاد مختلف حرفه معماری - دربرگرفتن محور زمان از گذشته تا آینده - دربرگرفتن مناسب حوزه‌های علوم، فنون و هنرها - توجه به سطوح مختلف ادراک انسان اعم از ادراک شهرهودی، منطقی و حسی
اصل بینش افزایی	تأکید بر آموزش روش مواجهه با مسائل به جای آموزش راه حل تمامی مسائل	- تمرکز بر سطوح عالی تر علوم (خرد و دانش) به جای سطوح پایین (اطلاعات و داده‌ها) - مسئله محوری این رویکرد آموزشی
اصل ایجاد فرصت‌های برابر	توجه به تفاوت‌های دانشجویان و اعطای فرصت برابر به مناسب با ویژگی‌ها و پتانسیل‌های دانشجویان (تناسب الگوهای تفکر، یادگیری و تیپ شخصیتی هر دانشجو، سطح مهارت و معلومات ایشان و باورها و زمینه‌های دربرگیرنده، اهداف و زمینه‌های مورد علاقه ایشان) به جای ارائه آموزش یکسان و واحد منظور تعریف محتوا، برنامه و روش‌های آموزش برای هر دانشجو	- توجه به «الگوی توسعه افقی» در مقابل «الگوی عمودی توسعه» - شناسایی پتانسیل‌ها و ویژگی‌های دانشجویان (تناسب الگوهای تفکر، یادگیری و تیپ شخصیتی هر دانشجو، سطح مهارت و معلومات ایشان و باورها و زمینه‌های دربرگیرنده، اهداف و زمینه‌های مورد علاقه ایشان) به جای ارائه آموزش یکسان و واحد منظور تعریف محتوا، برنامه و روش‌های آموزش برای هر دانشجو
اصل اعطای آزادی عمل به دانشجویان	زایندگی نظام آموزشی و اقتضاء جنبه هنری و خلاقه رشته معماری	- آزادی در چهارچوب ارزش‌ها و باورها؛ اصول حرفه‌ای؛ برنامه‌ها و سیاست‌ها آموزشی و شرایط زمینه‌های دربرگیرنده - آزادی دانشجویان در جایگاه تعریف مسئله، تعریف راه حل، حل مسئله، انتخاب زمینه و مشارکت در تعریف گرایش تحصیلی
اصل پرهیز از بیهودگی	هدفمندی اقدامات در نظام آموزشی	- تأکید بر آموزش «اصول» و «مبانی» - «سوال محوری» به جای «پاسخ محوری» - حفظ ارتباط با فارغ التحصیلان (به منظور بهره‌گیری از پتانسیل‌ها فارغ التحصیلان و حمایت از آنان) - اخذ «بازخوردها» در جهت رشد و تعالی نظام آموزشی - توجه به نیازهای جامعه در انتخاب گرایشات تحصیلی

نداشته باشند. لذا از ارائه این موارد حاصلی ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین در تنظیم برنامه، روش و محتوای آموزشی بایستی به صورتی هدفمند اقدام گردد و به جای تمرکز صرف وقت و هزینه برای آموختن داده‌ها و اطلاعاتی که از کاربرد آن اطمینان نداشته، بخش عمده اهتمام نظام آموزشی بر آموزش اصول

پرهیز از بیهودگی در الگوی جاری آموزش معماری، شاهد هستیم که حجم ابوهی از آموزه‌ها به دانشجو ارائه می‌گردد که علاوه بر اینکه سهم بسیاری از آن مورد فراموشی قرار می‌گیرد، حجم قابل توجهی از آن موارد نیز در جریان آینده حرفه‌ای دانشجویان کاربردی

درییش شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

۱۷۳

و سطوح عالی تر دانش گذاشته و در عوض تلاش برای آموزش تمامی اطلاعات، تأکید خود را بر آموزش طریقه کسب آن اطلاعات معطوف نماید. از سوی دیگر در جامعه حرفه ای شاهد موضوعاتی می باشیم که حاکی از اشیاع بازار کار از معماران در بسیاری از مناطق می باشد، لذا، اساساً آموزش معماران با تخصص های موجود، از کارایی لازم برخوردار نبوده و فارغ التحصیلان در بستر جامعه برای یافتن فرصت های شغلی مناسب با چالش های زیادی مواجه می باشند. این رویکرد آموزشی با ایجاد تعاملات با جامعه حرفه ای و کسب شناخت از زمینه های دربرگیرنده؛ نسبت به شناخت زمینه های مورد نیاز جامعه، اقدام می نمایند، که بر اساس پتانسیل ها، شرایط و علائق دانشجویان، ایشان را در مسیر گرایش مشخصی هدایت می نمایند و پس از فارغ التحصیل شدن دانشجو همچنان این ارتباط در جهت اعتلای معماری کشور و ارتقاء سطح ارائه آموزش معماری حفظ می گردد.

نتیجه گیری و جمع بندی

از نقش نظام آموزش معماری در خلق فضاهای معماری به عنوان کالبد دربرگیرنده رفتار انسان ها، سخن به میان رفت. بر این اساس در مقاله حاضر سعی شده تا ضمن معرفی اجزاء نظام آموزش معماری و جایگاه آن اجزاء نسبت به یکدیگر، به شناسایی مسائل و مشکلات موجود در اجزاء نظام آموزشی معماری پرداخته شود. در ادامه رویکرد درون زا به عنوان راهکار مواجهه با مسائل و مشکلات مورد بحث معرفی گردید. از ویژگی های رویکرد درون زا (در مطابقت با شرایط موجود نظام فعلی آموزش معماری و تلاش در جهت رفع آن ها) می توان به تأکید این رویکرد به توسعه به جای پیشرفت، توسعه چندجانبه به رشد تک بعدی و تأکید بر توجه به ساختارهای موجود در فرآیند رشد و توسعه اشاره نمود. از مجموع مبانی این رویکرد توسعه و راهکارهایی که این رویکرد آموزشی برای رفع مسائل موجود در اجزاء نظام آموزشی پیشنهاد

می کند، اصول این رویکرد آموزشی تعریف گردید که مجموع اصول این رویکرد آموزشی در کتاب مؤلفه های تشکیل دهنده آن در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

منابع و مأخذ

افندی، جعفر (۱۳۷۵) رساله معماری، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران، تهران.

آئین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان (۱۳۷۵/۱۱/۱۷) هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، شماره: ۱۴۹۶/ت ۱۳۳۳/۷۹

آنستونیادیس، آنتونی سی. (۱۳۸۲)، فرایند خلاقیت در معماری، ترجمه امید نیکفر جام، مجله زیبا شناخت، شماره ۹، تهران.

حجت، عیسی (۱۳۹۳)، سنت و بدعت در آموزش معماری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران. داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۲)، تحلیلی بر تبدیل داده به اطلاعات و دانش، فصلنامه کتاب، دوره چهاردهم، ۸۰-۷۱، تهران.

وانگ، دیوبید؛ گروت، لیندا (۱۳۸۶) روش های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

شورایعالی برنامه ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۷)، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری، مصوب ۱۳۷۷/۸/۲۴، تهران.

قدوسی فر، سید هادی؛ اعتظام، ایرج؛ حبیب، فرج؛ پناهی برجای، هاجر (۱۳۹۱)، آموزش سنتی معماری در ایران و ارزیابی آن از دیدگاه یادگیری مبتنی بر مغز، مطالعات معماری ایران، شماره ۱، کاشان.

قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷)، معماری امروز ایران و مسئله هویت: مفهوم هویت و معماری امروز ایران، آینه خیال، تهران.

اختاری، حیدر؛ یمین فیروز، موسی (۱۳۸۳)، از داده تا دانش و از مدیریت داده تا مدیریت دانش:

مروری بر متون، مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، شماره ۵۹، تهران.
منصوری، امیر(۱۳۸۲)، زیباشنخت، شماره ۹،
معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
تهران.

مهر محمدی، محمود؛ شعبانی ورکی، بختیار.
(۱۳۷۷)، جایگاه رویکردهای یاددهی - یادگیری
مکاتب رفتارگرایی، شناخت گرایی و انسانگرایی در
نظام آموزشی، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۷،
تهران.

یمین فیروز، موسی (۱۳۸۲)، دانش و مدیریت
دانش در سازمان‌ها، فصلنامه کتاب، دوره چهاردهم،
تهران.

اسلامی، سید غلامرضا(۱۳۹۲)، درس گفتار مبانی
نظری معاری، عینکمان را خودمان بسازیم، انتشارات
علم معمار، فرهنگستان هنر، جمهوری اسلامی ایران،
پژوهشکده هنر، تهران.

اسلامی، سید غلامرضا(۱۳۹۱)، کتاب منتشر نشده
توسعه درون‌زا و فرایند طراحی معماری.

Bellinger, Gene. "knowledgemanagementemergingperspectives". [on-line]. Available: <http://www.welchco.com/02/14/01/60/00/03/0701.htm>.

[25sep. 2004]

Gordon, john L. "what is knowledge?" Applied
knowledge Research Institute,2001. [on-line]. Available: <http://www.akri.org/museum/what.htm>.
We, Gladys, 1994, "What is Endogenous Theory?" <http://thumb.cprost.sfu.ca/we/misc/endogenous>, Gladys We (we@sfu.ca).

Epskamp, Kees, 1992, Learning by Performing
Arts:From Indigenous to Endogenous Cultural
Development, The Hague: Centre for the Study of
Education in Development Countries.

Gill & Law, 1988, The Global Political Economy,
Harvester, New York.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۷۵

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۱۷۶ ■